

Research Paper

Modeling school culture with interpretive structural methodKhadijeh Foolavand¹, Mahnaz Mehrabi^{2*}

1-Assistant Professor, Department of Psychology, Lorestan University, Khorramabad, Iran

2- Master's degree in Educational Psychology, Department of Psychology, Islamic Azad University, Hamedan Branch, Hamedan, Iran

Received: 2023/04/25

Accepted: 2023/09/27

PP:150-159

Use your device to scan and read the article online



DOI:

[10.30495/jedu.2024.31807.6379](https://doi.org/10.30495/jedu.2024.31807.6379)**Keywords:**culture; School; school culture;
An interpretative structure.**Abstract**

Introduction: The importance of culture as an underlying factor in the development of educational and research systems is not hidden from anyone. For this purpose, this study was conducted with the aim of modeling culture in schools.

research methodology: Philosophically, this study is classified under the paradigm of interpretativist. The present research has been done in two steps. In the first step, the dimensions of school culture through semi-structured interviews with expert professors in the field of public administration, organizational behavior and educational management who have many publications in these fields, as well as active experts in the country's education organization (principals) Arshad (with more than 15 years of service experience in the education organization and schools) was identified based on the principle of theoretical saturation in the number of 15 people using the snowball sampling method and using the qualitative content analysis method. In the second step, leveling and conceptual communication between the identified dimensions of school culture was done using interpretative structural modeling. In this section, the statistical population is made up of all the senior managers of the education organization and schools of Khorram Abad city. Sampling was done using a targeted non-probability method, and finally, the opinions of 32 senior managers as experts were applied in order to model the identified dimensions.

Findings: In the first level, the dimensions of school culture by analyzing the data obtained from the interview led to the identification of 10 dimensions of school culture, including school background, attitude, value and norm, mission, physical environment, equipment, symbols, goals, group learning and behavior.

Conclusion: Modeling the dimensions of school culture using interpretive structural method classified the identified dimensions into 5 levels, in this model, school background is the most effective dimension and group learning and behavior are the most effective dimensions.

Citation: Foolavand Khadijah, Mehrabi Mahnaz (2024). Modeling school culture with interpretive structural method, Journal of New Approaches in Educational Administration. Journal of New Approaches in Educational Administration; 15(4):150-159

Corresponding author: Mahnaz Mehrabi**Address:** Department of Psychology, Islamic Azad University, Hamedan Branch, Hamedan, Iran**Tell:** 09165692877**Email:** mahnaz.mehrabi.2023@gmail.com

مدلسازی فرهنگ مدرسه با روش ساختاری تفسیری

خدیدجه فولادوند^۱، مهناز مهربابی^{۲*}

۱- استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران

چکیده

مقدمه و هدف: اهمیت فرهنگ به عنوان یک عامل زیربنایی در توسعه سیستم‌های آموزشی و پژوهشی بر کسی پوشیده نیست. بدین منظور این مطالعه با هدف مدلسازی فرهنگ در مدارس انجام گرفته است.

روش شناسی پژوهش: از نظر فلسفی این مطالعه ذیل پارادایم تفسیرگرایانه طبقه‌بندی می‌شود. پژوهش حاضر در دو گام انجام گرفته است. در گام اول، ابعاد فرهنگ مدرسه از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با اساتید متخصص در حوزه مدیریت دولتی، رفتار سازمانی و مدیریت آموزشی که در این زمینه‌ها دارای تالیفات متعددی هستند و همچنین خبرگان فعال در سازمان آموزش و پرورش کشور (مدیران ارشد با سابقه خدمتی بیشتر از ۱۵ سال در سازمان آموزش و پرورش و مدارس) بر پایه اصل اشباع نظری به تعداد ۱۵ نفر با روش نمونه‌گیری گلوله برفی و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی شناسایی گردید. در گام دوم، سطح‌بندی و برقراری ارتباط مفهومی میان ابعاد شناسایی شده فرهنگ مدرسه با استفاده از روش مدلسازی ساختاری تفسیری انجام گرفت. در این بخش جامعه آماری را کلیه مدیران ارشد سازمان آموزش و پرورش و مدارس شهر خرم‌آباد تشکیل داده‌اند. نمونه‌گیری با استفاده از روش غیراحتمالی هدفمند انجام شد که در نهایت نظرات ۳۲ نفر از مدیران ارشد به عنوان خبره در خصوص مدل سازی ابعاد شناسایی شده اعمال گردید.

یافته‌ها: در سطح اول ابعاد فرهنگ مدرسه با تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه منجر به شناسایی ۱۰ بعد فرهنگ مدرسه شامل پیشینه مدرسه، نگرش، ارزش و هنجار، مأموریت، محیط فیزیکی، تجهیزات، نمادها، اهداف، یادگیری گروهی و رفتار شد.

بحث و نتیجه‌گیری: مدلسازی ابعاد فرهنگ مدرسه با استفاده از روش ساختاری تفسیری، ابعاد شناسایی شده را در ۵ سطح طبقه‌بندی نمود که در این مدل، پیشینه مدرسه اثرگذارترین بعد و یادگیری گروهی و رفتار اثرپذیرترین ابعاد هستند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

شماره صفحات: ۱۵۹-۱۵۰

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن

مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید



DOI:

10.30495/jedu.2024.31807.6379

واژه‌های کلیدی:

فرهنگ؛ مدرسه؛ فرهنگ مدرسه؛ ساختاری تفسیری

استناد: فولادوند خدیجه، مهربابی مهناز (۱۴۰۳). مدلسازی فرهنگ مدرسه با روش ساختاری تفسیری. دوماهنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی.

۱۵ (۴): ۱۵۹-۱۵۰

* نویسنده مسوول: مهناز مهربابی

نشانی: دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران

تلفن: ۰۹۱۶۵۶۹۲۸۷۷

پست الکترونیکی: mahnaz.mehrabi.2023@gmail.com

مقدمه

در عصر حاضر مدارس، موتور محرکه توسعه و پیشرفت هر جامعه‌ای محسوب می‌شود، زیرا دانش‌آموزانی را پرورش می‌دهد که آینده‌سازان کشور به شمار می‌آیند (BenDavid-Hadar, 2018). بر این اساس پرداختن به جنبه‌ها و وجوه متعدد مدارس بیش از پیش اهمیت دارد. مطالعات انجام‌گرفته در این حوزه نشان می‌دهد که فرهنگ در مدارس پایه و اساس شکل‌گیری ارزش‌ها و باورهای مشترک که پیش‌زمینه تحقق اهداف و برنامه‌های جمعی مدون است، در توسعه و پیشرفت مدارس نقشی تعیین‌کننده و پیش‌تاز دارد (Carpenter, 2015). در معنای کلی فرهنگ به ارزش‌ها، باورها و هنجارهای جمعی و مشترک در میان عده‌ای از افراد تعبیر می‌شود که توان اثرگذاری بالایی آن بر هیچ‌کس پوشیده نیست (Wang et al, 2021). فرهنگ مدرسه شامل ارزش‌ها، نمادها، باورها و معانی مشترک میان والدین، معلمان، دانش‌آموزان و سایر دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت است (Dadon-Golan et al, 2019). ارزشمند بودن امور برای این گروه و هم‌چنین نحوه تفکر، احساس و رفتار آنان از معبر فرهنگ مدرسه تعیین می‌شود. آداب و رسوم، سنت‌ها، باورهای سنتی، عادات، هنجارها، انتظارات و مفروضه‌های مشترک، شالوده فرهنگ مدرسه محسوب می‌گردند که شناخت آن‌ها می‌تواند در توسعه مفهوم فرهنگ مدرسه اثرگذار باشد (Xing & Gordon, 2021). مانند بسیاری از مفاهیم علوم انسانی و اجتماعی علاوه بر این که تعریفی واضح و بدون ابهام از فرهنگ مدرسه وجود ندارد، ابعاد و مولفه‌های آن نیز مشخص نیست (Daily et al, 2019). به همین علت مساله اصلی این مطالعه مفهوم فرهنگ مدرسه و ابعاد ناشناخته آن است.

پیشینه بررسی علمی فرهنگ مدرسه به اندازه تعلیم و تربیت رسمی بر پایه شکل‌گیری مدارس است. هر چند تاریخچه فرهنگ مدرسه بسیار غنی و طولانی بوده اما توجه کم‌تری به آن نسبت به سایر سطوح فرهنگ همچون فرهنگ سازمانی شده است (Deal & Peterson, 2016). سابقه مطالعات علمی در حوزه فرهنگ مدرسه به دهه ۱۹۸۰ باز می‌گردد، چرا بیشتر تعریف‌های موجود در حوزه فرهنگ مدرسه به این زمان برمی‌گردد و معرفی فرهنگ مدرسه به عنوان یک مفهوم علمی در مقالات منتشرشده در دهه مذکور صورت گرفته است (Dinsdale, 2017). فرهنگ در مدارس همانند سایر سطح و حوزه‌های فرهنگ جهت عملیاتی‌نمودن برنامه‌ها و اهداف آموزشی بسیار حائز اهمیت بوده و در نهایت تلاش در جهت شناسایی و تحلیل آن و ابعاد ناشناخته آن می‌بایست در اولویت مطالعات پژوهشی در حوزه آموزش و مدارس قرار گیرد (Eisenberg & Selivansky-Eden, 2019).

به طور کلی تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی در دهه‌های اخیر در کلیه کشورها باعث ایجاد تغییرات همه‌جانبه شده است، به ویژه جریان نوسازی جامعه با تهاجم تکنولوژی‌های مدرن و وسائل رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اینترنت، جای تامل بیشتری را در بررسی فرهنگ سازمانی مدرسه به خود اختصاص داده است (Wang et al, 2020). Liu, Bellibas & Gumus (2021) در مطالعه‌ای نشان دادند که رهبری آموزشی و رهبری توزیع شده هم مستقیم بر رضایت شغلی و خودکارآمدی معلمان تأثیر دارد و هم غیرمستقیم با میانجی‌گری فرهنگ حمایتی مدرسه و همکاری معلمان بر رضایت شغلی و خودکارآمدی معلمان تأثیر دارد. Tahmasbzadeh Sheikhlar et al (2020) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که بین صالحیت حرفه‌ای معلمان، تعامل معلمان با کارکنان و مدیریت، تعامل معلمان با یکدیگر، مشارکت والدین در فعالیت‌های مدرسه و بهره‌گیری از تسهیلات فیزیکی مدرسه با فعالیت درس پژوهی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. نتایج ضریب رگرسیون متغیرهای پیشین نشان داد که تمامی مؤلفه‌های فرهنگ مدرسه (بهره‌گیری تسهیلات فیزیکی مدرسه، تعامل معلمان با کارکنان و مدیریت، تعامل معلمان با یکدیگر، مشارکت والدین در فعالیت‌های مدرسه و صلاحیت حرفه‌ای معلمان) می‌توانند فعالیت درس پژوهی را به‌گونه‌ای معنادار تبیین کنند. Taslimi (2018) در مطالعات خود با عنوان عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری فرهنگ سازمانی مدارس دولتی با تأکید بر شهر تهران، با توجه به مدل خود معتقدند، مدارس در کشورهای در حال توسعه با نظام‌های آموزشی متمرکز، تناقض‌های فرهنگی و ضعف کارگروهی، کماکان در مرحله کیفیت‌بخشی نسبی فرایندهای فرهنگی درون مدرسه هستند. Scott (2016) در تحقیقی که انجام داد دریافت که فرهنگ مدارس با شاخص‌ها و مولفه‌هایی که دارد منجر به اثربخشی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود. Nie (2016) طی پژوهشی نتیجه گرفت که فرهنگ می‌تواند رابطه میان رهبر و کارکنان را تحت تأثیر قرار دهد و ویژگی‌های فرهنگی مانند همیاری، اعتماد و باهم‌بودن تعاملات را میان مدیران و کارکنان بهبود بخشد. Taslimi & farasatkah (2020) در مطالعه‌ای به سنخ‌شناسی فرهنگ سازمانی مدارس پرداختند. نمونه قابل بررسی ۳۰۸ مورد بود که از نظریه‌پردازی، ارائه مدل و سنخ‌شناسی برخوردار بودند. با روش تحلیل محتوایی و کدگذاری موضوعی، یافته‌ها در دو دسته سنخ‌شناسایی شدند. این طیف سنخ‌شناسی نشان داد، مدرسه حسب عوامل و زمینه‌های موجود، دارای فرهنگ سازمانی خاص است و مدیران و رهبران آموزشی با شناخت جامع الگوها، می‌توانند کاشف و خالق فرهنگ سازمانی مثبت در مدرسه‌ها باشند.

بررسی مطالعات در این حوزه نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام‌گرفته در ارتباط با فرهنگ مدارس با رویکرد کمی صورت پذیرفته و هیچ یک از مطالعات داخلی به انجام مطالعه‌ای جامع که بتواند جنبه‌های ناشناخته فرهنگ مدارس را شناسایی کرده و الگوی قابل‌قبولی را ارائه

کند، نپرداخته‌اند. در نهایت نوآوری این مطالعه به استفاده از رویکرد کیفی و شناسایی ابعاد مجهول فرهنگ مدارس و ارائه الگوی این ابعاد باز می‌گردد. اهداف که تاکنون در هیچ مطالعه داخلی صورت نگرفته است. علاوه بر نوآوری به کاررفته در مطالعه حاضر، مواردی وجود دارند که ضرورت انجام این پژوهش را بیش‌ازپیش بااهمیت می‌کنند. نتایج حاصل از انجام این مطالعه می‌تواند به مدیران و سیاست‌گذاران عرصه آموزش و مدارس کشور در تدوین استراتژی‌هایشان یاری رساند. هم چنین با توجه به اینکه اختلاف‌نظرهای زیادی در خصوص ابعاد فرهنگ مدرسه وجود دارد، انجام این مطالعه می‌تواند این اختلاف‌نظرها را کاهش دهد. علاوه بر این با توجه به مطالعات محدود در این حوزه، انجام پژوهش حاضر می‌تواند علاوه بر کاهش شکاف در حوزه ادبیات نظری، راه‌گشای مطالعات آتی در این حوزه باشد. مطالعه حاضر دو هدف عمده را در پیش می‌گیرد. ابتدا ابعاد اصلی فرهنگ مدرسه به کمک مصاحبه با خبرگان این حوزه شناسایی شده و سپس این ابعاد بر اساس اثرگذاری و اثرپذیری هر یک مدل سازی می‌گردد. بر این اساس سوال اصلی مطالعه حاضر این است که ابعاد فرهنگ مدرسه کدامند و مدل سازی این ابعاد چگونه است؟

روش شناسی پژوهش

از نظر فلسفی این مطالعه جزو پارادایم تفسیرگرایانه طبقه‌بندی می‌شود، چرا که با استفاده از فرایند مصاحبه و کدگذاری اقدام به شناسایی ابعاد فرهنگ مدرسه می‌کند. پژوهش حاضر بر اساس هدف کاربردی است، چرا که یافته‌ها در جهت تدوین استراتژی مورد استفاده مدیران و سیاست‌گذاران مدارس و سازمان آموزش و پرورش قرار می‌گیرد. هم چنین این مطالعه از حیث نحوه جمع‌آوری داده‌ها با توجه به این که از مصاحبه و پرسشنامه استفاده شده است، در زمره مطالعات توصیفی از نوع پیمایشی قرار دارد (TSANG, 2009). پژوهش حاضر در دو گام انجام گرفته است. در گام اول، ابعاد فرهنگ مدرسه از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با استادان متخصص در حوزه مدیریت دولتی، رفتار سازمانی و مدیریت آموزشی که در این زمینه‌ها دارای تالیفات متعددی هستند و هم چنین خبرگان فعال در سازمان آموزش و پرورش کشور (مدیران ارشد با سابقه خدمتی بیشتر از ۱۵ سال در سازمان آموزش و پرورش و مدارس) و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی شناسایی گردید. روش تحلیل محتوای کیفی یک روش تحلیلی به منظور تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی به وسیله رویکردی نظام‌مند شامل کدگذاری و استخراج مقولات فرعی و اصلی است. علت انتخاب روش تحلیل محتوای کیفی در تحلیل داده‌های مصاحبه حفظ اصالت و حقیقت داده‌ها به گونه‌ای ذهنی و ارائه تبیین‌های علمی از آن است که در قالب مقولات فرعی و اصلی ارائه می‌گردد. علاوه بر این انعطاف‌پذیری بالای این روش در تحلیل داده‌های کیفی و ارائه الگوهای ذهنی و استخراج شاخص‌ها و مولفه‌های مرتبط با هدف پژوهشگر، این روش را به عنوان یک روش مطلوب به منظور شناسایی و استخراج شاخص‌ها و مولفه‌های پیشران یا مانع در شکل‌گیری یک پدیده نموده است. نمونه‌گیری با استفاده از روش گلوله‌برفی و بر اساس اصل کفایت نظری انجام گرفت. در مجموع پس از مصاحبه با نفرات سیزدهم و چهاردهم، مقوله جدیدی استخراج نگردید و اشیاء نظری حاصل شد. در نهایت فرایند مصاحبه با نفر پانزدهم به پایان رسید. اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان به شرح جدول زیر است.

جدول ۱- اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	جنسیت	مدرک تحصیلی	رتبه علمی	سابقه دانشگاهی
۱	مرد	دکترای تخصصی	استاد	۲۰
۲	مرد	دکترای تخصصی	دانشیار	۱۶
۳	مرد	دکترای تخصصی	استاد	۲۵
۴	مرد	دکترای تخصصی	استاد	۲۱
۵	زن	دکترای تخصصی	استاد	۲۶
۶	زن	دکترای تخصصی	دانشیار	۱۸
۷	مرد	دکترای تخصصی	دانشیار	۱۹
۸	مرد	دکترای تخصصی	دانشیار	۲۰
۹	مرد	دکترای تخصصی	استادیار	۱۱
۱۰	زن	دکترای تخصصی	استاد	۲۷
۱۱	زن	دکترای تخصصی	استاد	۱۹
۱۲	مرد	دکترای تخصصی	استادیار	۱۲
۱۳	زن	دکترای تخصصی	استادیار	۹
۱۴	مرد	دکترای تخصصی	دانشیار	۱۸
۱۵	مرد	دکترای تخصصی	دانشیار	۱۷

روایی مصاحبه با استفاده از روش کیوسرت و پایایی آن با بهره‌گیری از شاخص کاپای کوهن بررسی گردید. ضریب کاپای کوهن بین صفر تا یک متغیر است و به‌صورت درصد بیان می‌شود. حداقل مقدار ضریب کاپا 0.6 است و مقادیر بالاتر از 0.6 بر اساس نظرات دو ارزیابی، مطلوب است. نتیجه به‌دست‌آمده در جدول ۲ نمایان است.

جدول ۲- ضریب کاپای کوهن

شماره	مقولات اصلی	ضریب کاپای کوهن
X1	پیشینه مدرسه	0.69
X2	اهداف	0.72
X3	ماموریت	0.73
X4	نمادها	0.66
X5	ارزش و هنجار	0.62
X6	رفتار	0.63
X7	محیط فیزیکی	0.63
X8	تجهیزات	0.66
X9	نگرش	0.65
X10	یادگیری گروهی	0.61
	مقدار کل	0.67

مقدار کل شاخص کاپای کوهن برابر با 0.67 حاصل شد که نشان از مطلوبیت پایایی مصاحبه دارد. کدگذاری داده‌های مصاحبه با استفاده از نرم‌افزار Atlas ti انجام شد.

در گام دوم، سطح‌بندی و برقراری ارتباط مفهومی میان ابعاد شناسایی‌شده فرهنگ مدرسه با استفاده از روش مدلسازی ساختاری تفسیری انجام گرفت. مدلسازی ساختاری تفسیری به فرایند تعاملی جامع است که در قالب یک مدل جامع اقدام، سطح‌بندی و تعاملات میان عوامل ارائه می‌شود. این روش منجر به ایجاد روابط پیچیده میان عوامل موردبررسی می‌شود به نحوی که اثرگذارترین عوامل و اثرپذیرترین عوامل را در قالب الگوی سطح‌بندی نمایش داده و درک مطلوبی در ارتباط با نحوه و جهت تعاملات میان عوامل ارائه می‌دهد. با توجه به این که مطالعات اندکی در خصوص شناسایی ابعاد فرهنگ مدرسه صورت‌گرفته، استفاده از روش ساختاری تفسیری می‌تواند علاوه بر نمایش سطح‌بندی ابعاد، تعاملات میان ابعاد را نشان داده تا بدین‌صورت درک مطلوبی در جهت تدوین سیاست‌های لازم جهت توسعه این ابعاد ایجاد شود. در این بخش جامعه آماری را همه‌ی مدیران ارشد سازمان آموزش و پرورش و مدارس شهر خرم‌آباد تشکیل داده‌اند. نمونه‌گیری با استفاده از روش غیراحتمالی هدفمند انجام شد که در نهایت نظرات ۳۲ نفر از مدیران ارشد به عنوان خبره در راستای مدلسازی ابعاد شناسایی‌شده اعمال گردید. تحلیل شاخص‌های جمعیت‌شناختی مدیران ارشد نشان داد، از بین ۳۲ نفر موردبررسی تعداد ۲۲ نفر مرد و ۱۰ نفر زن بوده‌اند. هم‌چنین از این بین تعداد ۲۶ نفر دارای مدرک کارشناسی‌ارشد و ۶ نفر دارای مدرک دکتری هستند. علاوه بر این ۳ نفر دارای سابقه کاری کمتر از ۱۰ سال، ۱۶ نفر دارای سابقه کاری بین ۱۰ تا ۲۰ سال و ۱۳ نفر دارای سابقه کاری بیشتر از ۲۰ سال بوده‌اند. داده‌های موردنیاز با استفاده از پرسشنامه‌های توزیع‌شده در میان خبرگان جمع‌آوری شد. برای تعیین روایی پرسشنامه از روش روایی محتوا به کمک نظرات ۱۰ نفر از متخصصان و خبرگان آگاه به موضوع پژوهش استفاده شد. مقدار مطلوب شاخص با توجه به نظرخواهی از ۱۰ ارزیاب برابر با 0.62 است. مقدار کل این شاخص برابر با 0.69 حاصل گردید. نتیجه به‌دست‌آمده به شرح جدول ۳ است.

جدول ۳- ضریب روایی محتوای نسبی

شماره	مقولات اصلی	ضریب روایی محتوای نسبی
X1	پیشینه مدرسه	0.65
X2	اهداف	0.66
X3	ماموریت	0.71
X4	نمادها	0.63
X5	ارزش و هنجار	0.72
X6	رفتار	0.70
X7	محیط فیزیکی	0.65
X8	تجهیزات	0.66
X9	نگرش	0.62
X10	یادگیری گروهی	0.74
	مقدار کل	0.69

جهت سنجش پایایی از روش آزمون- پس آزمون استفاده شده و پرسشنامه در بازه زمانی ۳ هفته بعد مجدداً برای استادان دانشگاهی و تعدادی از خبرگان با تجربه در حوزه پژوهش ارسال گردید. همبستگی میان پاسخ‌ها در دو مرحله می‌بایست بالاتر از ۰/۷. حاصل شود تا پایایی پرسشنامه موردتایید قرار گیرد. همبستگی موردنظر به میزان ۷۶ درصد برآورد شد که نشان از تایید پایایی پرسشنامه دارد.

یافته‌ها

داده‌های حاصل از مصاحبه با روش تحلیل محتوای کیفی کدگذاری گردید که در نهایت منجر به شناسایی ۱۰ مقوله اصلی و ۳۹ مقوله فرعی شد.

اولین گام در روش مدل سازی ساختاری تفسیری، تشکیل ماتریس خودتعاملی است. در این مرحله روابط بین ابعاد شناسایی شده فرهنگ مدرسه به صورت زوجی بر پایه فراوانی پاسخ‌های خبرگان با استفاده از نمادهای استاندارد (A, V, X و O) تعریف می‌شود. در ماتریس خودتعاملی، V یعنی شاخص i به z منجر می‌شود (سطر بر ستون اثرگذار است)؛ A یعنی شاخص z به i منجر می‌شود (ستون بر سطر اثرگذار است)؛ X برای نشان دادن تأثیر دوطرفه؛ و O برای نشان دادن عدم وجود رابطه بین دو شاخص استفاده شده است. ماتریس خودتعاملی ابعاد فرهنگ مدرسه به شرح جدول ۴ است.

جدول ۴- ماتریس خودتعاملی

X10	X9	X8	X7	X6	X5	X4	X3	X2	X1
O	O	O	O	O	V	V	V	V	X1
V	A	X	O	V	X	X	A		X2
V	V	V	O	V	X	V			X3
O	A	O	X	O	A				X4
V	V	O	O	V					X5
V	A	O	O						X6
V	O	V							X7
V	O								X8
X									X9
									X10

در گام دوم، ماتریس دستیابی اولیه از تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی صفر و یک به دست آمد. جهت استخراج ماتریس دستیابی اولیه ابتدا قرینه متناظر حروف اختصاری در زیر قطر اصلی ماتریس تکمیل گردید. به عنوان مثال در خانه ماتریس اثرگذاری X1 بر X2 حرف اختصاری v قرار گرفته به این معنی که X1 بر X2 تأثیر یک طرفه دارد. بنابراین در خانه ماتریس اثرگذاری X2 بر X1 حرف A قرار داده شده به این معنی که X2 تأثیری بر X1 ندارد. سپس در هر سطر ماتریس خودتعاملی به جای علائم X و V از عدد یک و به جای علائم A و O عدد صفر استفاده شد. ماتریس دستیابی اولیه به شرح جدول ۵ است.

جدول ۵- ماتریس دستیابی اولیه

X10	X9	X8	X7	X6	X5	X4	X3	X2	X1
0	0	0	0	0	1	1	1	1	X1
1	0	1	0	1	1	1	0	1	X2
1	1	1	0	1	1	1	1	1	X3
0	0	0	1	0	0	1	0	1	X4
1	1	0	0	1	1	1	1	1	X5
1	0	0	0	1	0	0	0	0	X6
1	0	1	1	0	0	1	0	0	X7
1	0	1	0	0	0	0	0	1	X8
1	1	0	0	1	0	1	0	1	X9
1	1	0	0	0	0	0	0	0	X10

در گام سوم، ماتریس دستیابی نهائی با تکیه بر تحلیل روابط ثانویه یا غیرمستقیم میان HFUHN شناسایی شده بررسی شد. به این معنا که اگر X1 منجر به X2 شود و X2 منجر به X3 شود، در این صورت باید X1 نیز منجر به X3 شود که به اصطلاح تحت عنوان عمل سازگاری ماتریس دستیابی اولیه مطرح است. ماتریس دستیابی نهائی به شرح جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶- ماتریس دستیابی نهائی

نفوذ	X10	X9	X8	X7	X6	X5	X4	X3	X2	X1	
۱۰	1*	1*	1*	1*	1*	1	1	1	1	1	X1
۹	1	1*	1	1*	1	1	1	1*	1	0	X2
۹	1	1	1	1*	1	1	1	1	1	0	X3
۷	1*	0	1*	1	1*	1*	1	0	1	0	X4
۹	1	1	1*	1*	1	1	1	1	1	0	X5
۳	1	1*	0	0	1	0	0	0	0	0	X6
۵	1	0	1	1	0	0	1	0	1*	0	X7
۶	1	0	1	0	1*	1*	1*	0	1	0	X8
۹	1	1	1*	1*	1	1*	1	1*	1	0	X9
۵	1	1	0	0	1*	0	1*	0	1*	0	X10
	۱۰	۷	۸	۷	۹	۷	۹	۵	۹	۱	وابستگی

همانگونه که در جدول ۶ نمایان است، با بهره‌گیری روش سازگاری ابعاد، برخی از ابعاد به صورت غیرمستقیم و از طریق بعدی دیگر توانسته‌اند بر یکدیگر تاثیر بگذارند که این رابطه به صورت ۱* نشان داده شده است.

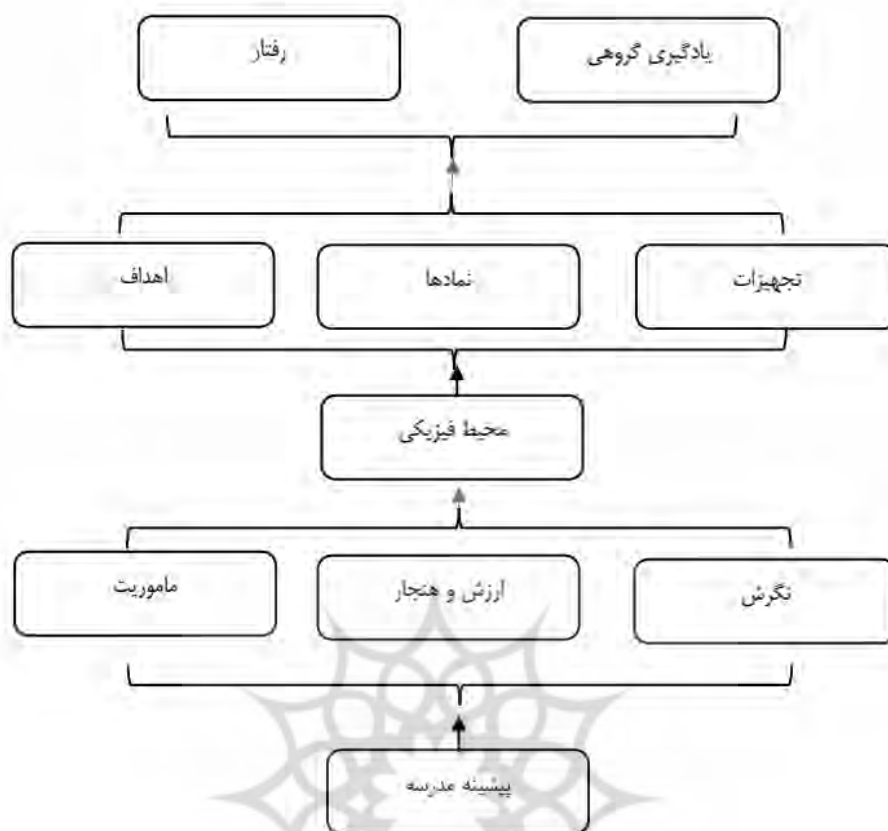
در مدل ساختاری تفسیری روابط متقابل و تأثیرگذاری بین معیارها و ارتباط معیارهای سطوح مختلف به خوبی نشان داده شده است که موجب درک بهتر فضای تصمیم‌گیری به وسیله مدیران می‌شود. جهت تعیین معیارهای کلیدی، قدرت نفوذ (تعداد عناصری که عنصری بر آنها تاثیر می‌گذارد) و وابستگی (تعداد عناصری که بر عنصری ام تاثیر می‌گذارند) معیارها در ماتریس دسترس نهایی تشکیل می‌گردد. از این ویژگی در تحلیل میک‌مک استفاده می‌شود. پس از سازگاری و تدوین ماتریس دستیابی نهائی، قدرت نفوذ و وابستگی هر یک از ابعاد شناسایی شده به شرح جدول ۵ ارائه شده است.

در گام چهارم، جهت تعیین روابط و سطح‌بندی ابعاد فرهنگ مدرسه در مدل ساختاری تفسیری باید مجموعه خروجی‌ها (شامل خود معیار و معیارهایی که از آن تاثیر می‌پذیرد) و مجموعه ورودی‌ها (شامل خود معیار و معیارهایی که بر آن تاثیر می‌گذارند) برای هر بعد از ماتریس دریافتی استخراج شود. پس از تعیین مجموعه خروجی‌ها و مجموعه ورودی‌ها، اشتراک دو مجموعه محاسبه می‌شود. اولین عاملی که در آن اشتراک دو مجموعه خروجی و ورودی برابر با مجموعه خروجی باشد، سطح اول است. بنابراین عناصر سطح اول بیشترین تاثیرپذیری را در مدل دارند. پس از شناسایی شاخص‌های سطح اول، این عناصر حذف شده و فرایند محاسبه مجموعه خروجی و ورودی ادامه پیدا می‌کند. این فرایند تا حذف تمامی شاخص‌ها ادامه می‌یابد. نتیجه سطح‌بندی هر یک از ابعاد شناسایی شده در فرهنگ مدرسه به شرح جدول ۷ است.

جدول ۷- سطح‌بندی ابعاد فرهنگ مدرسه

	مجموعه ورودی	مجموعه خروجی	اشتراک	سطح
X1	۱	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰	۱	۵
X2	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰	۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰	۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰	۲
X3	۱،۲،۳،۵،۹	۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰	۲،۳،۵،۹	۴
X4	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰	۲،۴،۵،۶،۷،۸،۱۰	۲،۴،۵،۷،۸،۱۰	۲
X5	۱،۲،۳،۴،۵،۸،۹	۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰	۲،۳،۴،۵،۸،۹	۴
X6	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۹،۱۰	۶،۹،۱۰	۶،۹،۱۰	۱
X7	۱،۲،۳،۴،۵،۷،۹	۲،۴،۷،۸،۱۰	۲،۴،۷	۳
X8	۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸،۹	۲،۴،۵،۶،۸،۱۰	۲،۴،۵،۸	۲
X9	۱،۲،۳،۵،۶،۹،۱۰	۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰	۲،۳،۵،۶،۹،۱۰	۴
X10	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰	۲،۴،۶،۹،۱۰	۲،۴،۶،۹،۱۰	۱

در گام آخر، پس از تعیین سطوح هر یک از ابعاد شناسایی شده، نیاز است تا مدل ساختاری این ابعاد متناسب با تعداد سطوح شکل گرفته و ارتباط میان ابعاد ترسیم گردد. مدل ساختاری ابعاد فرهنگ مدرسه به شرح نمودار ۱ ارائه شده است



نمودار ۱- مدل ساختاری تفسیری فرهنگ مدرسه

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این مطالعه مدلسازی فرهنگ مدرسه بوده است. تحقق این هدف در دو سطح انجام گرفت. در سطح اول ابعاد فرهنگ مدرسه با تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه منجر به شناسایی ۱۰ بعد فرهنگ مدرسه شامل پیشینه مدرسه، نگرش، ارزش و هنجار، ماموریت، محیط فیزیکی، تجهیزات، نمادها، اهداف، یادگیری گروهی و رفتار شد.

مدل سازی ابعاد فرهنگ مدرسه با استفاده از روش ساختاری تفسیری، ابعاد شناسایی شده را در ۵ سطح طبقه‌بندی نمود که در این مدل، پیشینه مدرسه اثرگذارترین بعد و یادگیری گروهی و رفتار اثرپذیرترین ابعاد هستند. پیشینه مدارس بیانگر سیر تاریخی مدارس از زمان شکل‌گیری تا زمان حال بوده که می‌تواند شامل فرایندهای انجام‌شده در مدارس باشد. هر فعالیتی که در مدارس صورت می‌گیرد در راستای ماموریت اصلی مدارس است که دلیل وجودی مدارس را نشان می‌دهد. در این خصوص و در جهت تعیین ماموریت اصلی مدارس، توجه به گذشته مدارس می‌تواند به این امر کمک‌های زیادی نماید، چرا که پیشینه مدارس یک تجربه مشخص از مدارس و فعالیت‌های آن را آشکار می‌سازد که تعیین ماموریت را با سهولت بیشتری همراه می‌سازد. هم چنین تعیین ارزش‌ها و هنجارها در مدارس که به صورت مشترک در میان عوامل اصلی آن شکل می‌گیرد تحت تاثیر پیشینه مدارس قرار دارد. پیشینه مدارس سیر روند شکل‌گیری ارزش‌ها و هنجارهای جمعی را منعکس می‌کند که این امر می‌تواند در شکل‌گیری ارزش‌ها و هنجارهای روز که می‌تواند ناشی از بازنگری ارزش‌های سنتی مدارس باشد، نقشی به سزا داشته باشد. علاوه بر این نگاهی به گذشته مدارس نگرش و دیدگاهی را در ذی نفعان مدارس ایجاد کرده که باعث شکل‌گیری یک خط فکری جهت اقدامات فعلی و آتی مدیران مدارس می‌گردد. برآیند ویژگی‌های نرم و سخت در مدارس، محیط فیزیکی مدارس را شکل خواهد داد که در این فضای فیزیکی مدارس، ترکیبی از نگرش‌ها و ارزش‌ها به خوبی مشاهده می‌گردد، چرا که تمامی این ارزش‌ها و نگرش‌ها در درون محیط فیزیکی مدارس توسط عوامل اصلی مدارس شامل مدیران، معلمان و دانش‌آموزان شکل می‌گیرد. این محیط فیزیکی در مجموع یک نماد مشخصی را برای مدارس ایجاد می‌نماید که دیگران و عوامل خارج از مدارس، با آن نماد مشخص مدرسه را می‌شناسند

و از یکدیگر متمایز می کنند، برای نمونه ارزش تکریم والدین که توسط مدیران و معلمان انجام می گیرد و به نام یک ارزش جمعی نقشی تعیین کننده را ایفا می کند، با شکل دهی محیط فیزیکی مدرسه به عنوان یک نماد متمایز در مدارس عمل می نماید. علاوه بر این محیط فیزیکی منجر به شکل دهی و چارچوب بندی تجهیزات فیزیکی درون مدارس خواهد شد. تجهیزات فیزیکی درون مدارس با ترکیب نمادهای فعلی باعث اثرگذاری بر اهداف می شوند. اهداف عالی مدارس که تحت تاثیر ماموریت مدارس قرار دارند، بر اساس نمادها و تجهیزات درون مدارس نیز تعیین شده و با تغییر آن ها تعدیل می گردد، چرا که اهداف در جهت ارزش های اصلی مدارس تدوین شده و جهت اجرای آن تلاش می شود. برآیند این عوامل منجر به بروز رفتار مشخصی از ذی نفعان اصلی در مدارس می گردد. رفتار در مدارس بر اساس ارزش ها و نمادهای ظاهری و هم چنین اهداف تنظیم شده با ترکیبی از تجهیزات فیزیکی بروز می کند. هنگامی که افراد از اهداف سازمانی مطلع باشند، و نگاهی به تجهیزات فیزیکی درون مدارس می اندازند، در نتیجه جهت تحقق اهدافی که تعیین شده به نوبه خود تلاش متمرکزی را با بروز رفتارهای مشخصی انجام می دهند. این رفتارها توسط عوامل مختلف مدارس شامل معلمان و مدیران و ... بروز می کند که هر یک متناسب با برآیند این عوامل و جایگاه خود رفتار متمایزی را به نمایش می گذارند. هم چنین وجود ارزش های آموزشی که می تواند در نمادهای مدارس به عنوان یک شاخص متمایز مشخص باشد، می تواند ترویج کننده نوع گروهی یادگیری باشد. عوامل اصلی در مدارس متناسب با فضای موجود و ارزش های محوری مدارس و در نظر گرفتن تجهیزات فیزیکی در مدارس، اقدامات زیادی در خصوص یادگیری به شیوه گروهی انجام می دهند که این امر با تقویت سطح ارزش ها و نماها، توسعه خواهد یافت.

این مطالعه نشان داد که محیط فیزیکی و تجهیزاتی که در محیط مدارس مورداستفاده قرار می گیرد سهم به سزایی در تبیین و توسعه فرهنگ در مدارس دارد. مفهومی که در مطالعه صورت پذیرفته توسط Xing & Gordon (2021) نیز به آن اشاره گردیده است. در این مطالعه نیز عوامل اقتصادی به عنوان زمینه ساز شکل گیری تجهیزات و محیط پیرامونی مطلوب و اثرگذار به جدیت مورد توجه قرار گرفته است. هم چنین مطالعه حاضر یافته های ارزشمندی در ارتباط با مفاهیم و ارزش های فرهنگی به همراه داشته است، بنحویکه این یافته در مطالعه انجام گرفته توسط Taslimi (2018) نیز اشاره گردیده است. در مطالعه اشاره شده بیان گردید که شناخت لایه های مختلف فرهنگی شامل نمادها و سایر موارد خواهد توانست تناقض های فرهنگی را کاهش داده و به ایجاد و توسعه بستر مطلوب به منظور توسعه فرهنگ در مدارس کمک های شایانی کند. در سویی دیگر این مطالعه نشان داد که فرهنگ مدرسه یک مفهوم چندوجهی بوده که ابعاد آن کم تر مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات انجام گرفته نیز هر یک بر جنبه هایی از این مفهوم ارزشمند در مدارس توجه کرده اند. در این مورد این یافته با مطالعه انجام گرفته از سوی Taslimi & farasatkah (2020) مطابقت دارد، زیرا که در مطالعه بیان شده نیز اهمیت فرهنگ مدارس و دارا بودن وجوه مختلف برای آن مورد اشاره قرار گرفته است.

پیشنهاد های کاربردی پژوهش

- این مطالعه بر پایه یافته های خود پیشنهادهایی به شرح زیر جهت بهره برداری مدارس و نظام آموزش و پرورش ارائه می کند:
۱. ایجاد تیم تحقیق و توسعه در مدارس در جهت تجزیه و تحلیل فرایندهای مدارس از گذشته تا حال و انطباق نتایج حاصل شده بر اساس دوره های زمانی به منظور بررسی میزان تغییرات صورت گرفته در مدارس.
 ۲. طراحی و تدوین ماموریت اصلی مدارس بر اساس چشم اندازهای تدوین شده توسط نظام عالی آموزش و پرورش کشور
 ۳. ترویج ارزش های کار گروهی در مدارس بر اساس توسعه زمینه های لازم جهت ارتباطات مطلوب و آسان میان اجزای اصلی مدارس
 ۴. سنجش نگرش عوامل اصلی در مدارس نسبت به ارزش های رایج و هم چنین کیفیت اهداف تعیین شده از سوی سیاست گذاران
 ۵. طراحی محیط فیزیکی مدارس متناسب با ماهیت وجودی آن و تلاش در راستای توسعه تجهیزات فیزیکی به نحوی که بالاترین کارایی و اثربخشی را در خصوص فرایندهای جاری مدرسه به همراه آورد.
 ۶. تدوین اهداف عملیاتی مدارس بر اساس ارزش های موجود و تعدیل دوره های در آن متناسب با تغییر در اجزای اصلی مدارس به نحوی که افراد مجری اهداف با این اهداف بیگانه نباشند و راحت تر بتوانند این اهداف را بپذیرند.
 ۷. توسعه نمادها از طریق فرایندهای بازاریابی و معرفی آن به عوامل خارج از مدارس از طریق بهره برداری از استراتژی های تبلیغاتی
 ۸. تجزیه و تحلیل رفتارهای متمایز توسط عوامل مختلف مدارس و سعی در پیش بینی این رفتارها بر اساس موقعیت های مشابهی که در فرایندهای مدارس به وقوع می پیوندد.
 ۹. ترویج روحیه کار گروهی به منظور بهره برداری از سیستم های یادگیری گروهی در مدارس به منظور بهبود کیفیت یادگیری به عنوان ماهیت اصلی فعالیت مدارس
 ۱۰. فراهم نمودن زیرساخت و تجهیزات مناسب مدارس در خصوص انجام اثربخش و کارا فعالیت ها به نحوی که کم ترین خلل در انجام فعالیت های مدارس رخ دهد.

بنابر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

References

- BenDavid-Hadar, I. (2018), "Education finance, equality and equity—introduction", in BenDavid-Hadar, I. (Ed.), *Education Finance*, 15 (5), 1-15.
- Carpenter, D. (2015), "School culture and leadership of professional learning communities", *International Journal of Educational Management*, 29 (5), 682-694
- Cheng Yin Cheong. (2010). Cultural factors in school effectiveness: a framework for comparative work', *School Leadership and Management*, 20(2), 207-225.
- Dadon-Golan, Z., BenDavid-Hadar, I. and Klein, J. (2019), "Revisiting educational (in) equity: measuring educational Gini coefficients for Israeli high schools during the years 2001–2011", *International Journal of Educational Development*, 70 (6), 91-102.
- Daily, S.M., Mann, M.J., Kristjansson, A.L., Smith, M.L. and Zullig, K.J. (2019), "School climate and academic achievement in middle and high school students", *Journal of School Health*, 89 (3), 173-180.
- Deal, T.E. and Peterson, K.D. (2016), *Shaping School Culture*, 3rd ed., Jossey-Bass, San-Francisco, CA.
- Dinsdale, R. (2017), "The role of leaders in developing a positive culture", *BU Journal of Graduate Studies in Education*, 9 (1), 42-45.
- Eisenberg, E. and Selivansky-Eden, O. (2019), *Adapting Israel's Education System for the Challenges of the 21st Century*, The Israel Democracy Institute, Jerusalem. available at: <https://en.idi.org.il/media/13080/adapting-israels-education-system-final.pdf> (accessed 25 March 2020).
- Liu, Y., Bellibas, M. S., & Gumus, S. (2021). The Effect of Leadership Distributed and Leadership Instructional on Teacher Efficacy-Self and Job Satisfaction: Mediating Roles of School Culture and Teacher Supportive. *Educational Management Administration & Leadership*. 49 (3). 430-453.
- Nie, D. (2016). Culture matters: the leader-follower relationship in the Chinese organizational context. *University of Jyväskylä*.
- Scott, Melissa A. (2016). "The development and implementation of academic optimism and parent involvement: A case study", Ph.D. Dissertation. *The University of Alabama*.
- Tahmasbzadeh Sheikhlari, D., Taghipour, K., Qureshi, N., & Imannejad, M. (2020). Investigating the role of school culture on the study activity of primary school teachers in Tabriz. *New Teacher Training Strategies*, 9 (18), 69-86. (in Persian).
- Taslimi, M., & Farastkhah, M. (2021). Analyzing the components of the organizational culture of public schools. *Behavioral Studies in Management*, 12(26), 21-32. (in Persian).
- Taslimi, M. (2018). Article Title: Factors, Shaping Fields and Typology of Organizational Culture of School on Tehran. *Journal of Education and Practice*. 15 (21), 46-61. (in Persian).
- TSANG, Kwok Kuen. (2009). Article Title: Approaches to understanding and investigating the concept of school culture and school. *Hong Kong Teachers' Centre Journal*, 8 (3). 86-105.
- Wang, M., Degol, J. L., Amemiva, J., Parr, A., & Guo, J (2020), Classroom climate and children's academic and psychological wellbeing: A systematic review and metaanalysis. *Developmental Review*, 57 (6), 1-21.
- Wang, Y., Derakhshan, A., & Zhang, L. J (2021), Researching and practicing positive psychology in second/foreign language learning and teaching: the past, current status, and future directions. *Frontiers in Psychology*, 15 (3), 12-35.
- Xing, X., & Gordon, H. R (2021), Mediating effects of school engagement between high school on-time completion and career and technical education. *Vocations and Learning*, 14(1), 1-21.